تنبیه:

آنچه تاکنون گفته بودیم درباره صورتی بود که یک کلام واحد، متضمن دو حکم باشد. (مثل طهارت و حلیت که دو حکم مختلف هستند و امکان استفاده آنها از «کلوا مما امسکن» وجود داشت).

اما مرحوم آخوند نکته‌ای را درباره صورتی طرح می‌کنند که یک کلام متضمن یک حکم است، ولی همان یک حکم می‌تواند از جهات مختلف مطلق باشد (مثلاً اگر شارع بگوید «اکرم العالم» و ما می‌دانیم عبارت از حیث سیادت و عدم سیادت مطلق است ولی نمی‌دانیم از حیث فقیه و عدم فقیه هم مطلق است؟ در این صورت حکم وجوب اکرام نسبت به عالم مطلق است ولی نمی‌دانیم آیا از همه جهات اطلاق دارد؟

« تنبیه [أنواع الانصراف]

و هو أنه یمکن أن یکون للمطلق جهات عدیدة کان واردا فی مقام البیان من جهة منها و فی مقام الإهمال أو الإجمال من أخری فلا بد فی حمله علی الإطلاق بالنسبة إلی جهة من کونه بصدد البیان من تلک الجهة و لا یکفی کونه بصدده من جهة أخری إلا إذا کان بینهما ملازمة عقلا أو شرعا أو عادة کما لا یخفی.»[1]

توضیح:

برای حمل کلام بر اینکه نسبت به یک جهت مطلق است، باید متکلم از همان جهت در مقام بیان باشد.

ما می‌گوییم:

۱. مرحوم مروج در بیان ملازمه عقلی می‌نویسد: (و اشاره می‌کند که این مطالب را از مرحوم شیخ در تقریرات اخذ کرده است).

«مثل ما ورد فی صحة الصلاة فی ثوب فیه عذرة ما لا یؤکل لحمه من حیث النجاسة عند الجهل بها أو نسیانها بناء علی جزئیة العذرة للحیوان، فانه یدل عقلا علی صحة الصلاة فی أجزاء ما لا یؤکل لحمه عند الجهل أو النسیان لأنه- بناء علی جزئیة العذرة- لا فرق فی نظر العقل فی الحکم بصحة الصلاة بین الاجزاء من العذرة و غیرها و ان کان الکلام مسوقاً لبیان حکم العذرة.»[2]

توضیح:

اگر گفتیم عذره، جزء حیوان است، در این صورت وقتی روایتی بگوید: «در صورت نسیان اگر عذره حیوان ما لایؤکل لحمه در لباس باشد، نماز صحیح است»، از این حکم می‌توان استفاده کرد که «در

[1]. کفایة الاصول، ص۲۴۹

[2]. منتهی الدرایة، ج۳، ص۷۳۸

صورت نسیان اگر اجزاء دیگر حیوان ما لایؤکل لحمه هم در لباس باشد، نماز صحیح است» چرا که عقل فرقی بین اجزاء نمی‌گذارد.

پس اگرچه روایت در مقام بیان حکم عذره است ولی حکم دوم هم از آن استفاده می‌شود.

۲. ایشان درباره ملازمه شرعی هم می‌نویسد:

«کما إذا دل دلیل علی وجوب قصر الصلاة علی المسافر فی مورد، فانه یدل علی وجوب الإفطار علیه فی ذلک المورد أیضا، للملازمة الشرعیة بینهما الثابتة بمثل قول أبی عبد اللّه علیه السلام: «إذا قصرت أفطرت، و إذا أفطرت قصرت» فالدلیل علی أحدهما دلیل علی الآخر الا فی موارد خاصة خرجت بالدلیل»[1]

۳. همچنین ایشان درباره ملازمه عادی هم می‌نویسد:

« مثل ما ورد فی طهارة سؤر الهرة، مع أن الغالب عدم خلو موضع السؤر عن النجاسة، فان إطلاق ما دل علی طهارة سؤر الهرة و ان کان ناظرا إلی حکم الهرة من حیث ذاتها کما یظهر من النصوص، إلاّ أن النجاسة العرضیة الحاصلة بملاقاة المیتة لما کانت مقارنة لموضع السؤر غالباً کان إطلاق دلیل الطهارة مقتضیاً لطهارة السؤر مطلقاً و لو کان موضع السؤر قبل الملاقاة ملاقیاً للنجاسة، و إلاّ لوجب التنبیه علی نجاسته »[2]

توضیح:

۱. روایت می‌گوید نیم خورده گربه پاک است.

۲. روایت از حیث نجاست ذاتی، طهارت را مطرح می‌کند.

۳. ولی اگر روایت را حمل بر طهارت ذاتیه گربه کنیم، حمل اطلاق بر فرد نادر است (چرا که متعارفاً دهن گربه آلوده به نجاست عرضیه است که موش مرده است).

۴. پس روایت اگرچه از حیث نجاست ذاتی مطلق است ولی بالملازمه عرفی از حیث نجاست عرضی هم مطلق است.

[1]. همان

[2]. همان